



تعدد دانشگاه‌ها و عناوین مختلفی چون پیام نور، علمی کاربری، سراسری و آزاد سبب شده تا کیفیت دانشگاه‌ها تنزل پیدا کند. البته تعدادی از دانشگاه‌ها در جهت ارتقا حرکت کرده‌اند و حتی توانسته‌اند افتخاراتی را نیز کسب کنند، اما تعداد معدودی از دانشگاه‌ها هستند که در آنها هنوز هم کتاب‌فروشی زوری، سرقت علمی و... انجام می‌شود. مثلاً اینکه برخی از اساتید دانشگاهی، دانشجویان کلاسشان را مجبور می‌کنند تا کتاب‌هایی را که نوشته‌اند، بخردند؛ حالا یا آن را به عنوان منبع درسی‌شان تعیین می‌کنند یا آنها را مجبور می‌کنند تا در ازای گرفتن نمره این کتاب را تهیه کنند. تعداد اساتیدی که چنین ترفندی را برای فروش کتابشان به کار می‌گیرند، کم نیست؛ کاری که نه اخلاقی است و نه شرعی. اما آیا نظارتی بر عملکرد آنها که از دانشجویان برای فروش کتابشان سوءاستفاده می‌کنند، وجود دارد؟ دانشجویان که دستشان به جایی بند نیست و ناچارند زیر بار حرف زور استاد بیروند تا نمره قبولی را دریافت کنند، اما مدیرانی که این اساتید را بر سر کار آورده‌اند چطور؟ آیا آنها نمی‌توانند با نظارت دقیق‌تر از بروز چنین تخلفاتی جلوگیری کنند؟

بدون شک فروش کتاب اساتیدان به دانشجویان آن هم با زور و شرط اخذ نمره کلاسی، یک نوع سوءاستفاده از موقعیت شغلی است چرا که عمده دانشجویان بدون رضایت قلبی و البته از سر ناچاری مجبور می‌شوند هزینه‌های را از جیب خود برای خرید کتاب بپردازند، در حالی که شاید حتی یک صفحه از آن را هم نخوانند، بدتر اینکه گاهی ممکن است قیمت کتاب بسیار بالاتر از قیمت واقعی کتاب باشد و این هم ربطی به آن چیزی که دانشجویان بابت آن می‌پردازند ندارد.

در یکی از دانشگاه‌های پایتخت ماجرای فروش اجباری کتاب اساتید به دانشجویان زیر سایه می‌توجهی مسئولان این امر انجام می‌شود. اساتید این کلاس به دانشجویان گفته است اگر می‌خواهند نمره کلاسی‌شان را تمام و کمال دریافت کنند، باید یک نسخه از کتاب را تهیه کنند و حتماً این کتاب را به او نشان بدهند! این فرد در یک اقدام عجیب کتاب خریداری شده از سوی دانشجویان را بررسی و امضای کند تا مبادا دانشجویی دیگر همان کتاب را به او نشان بدهد، در مقابل اما هیچ کدام از دانشجویان بابت انجام این کار رضایت قلبی ندارند و از اینکه مقابل زور گویی اساتید سکوت کرده‌اند، به شدت کلافه‌اند. محمد یکی از دانشجویان این اساتید سوءاستفاده کرد و در این رابطه به «جوان» می‌گوید: «تمام اساتیدان از من زیر گت و حتماً عاقل تر هستند، اما نمی‌دانم آنها چطور با این رفتارهای ناشایست به خود و دانشجویان‌شان توهین می‌کنند. آیا وجدان این اساتیدان راحت است که پول زور از دانشجویان‌شان می‌گیرند. مگر ۲۵۰ هزار تومانی که از هر دانشجو بابت کتاب‌ها گرفته می‌شود، چه ارزشی دارد و چقدر سود به استاد می‌رسد که او حاضر می‌شود برای فروش کتاب‌هایش، خود و دانشجویان را زیر سؤال ببرد. «یک نمره»، «یک امتحان» و در آخر هم «یک مدرک» چه ارزشی دارد که به خاطر آن به شخصیت و هویت به اصطلاح اساتید و دانشجویان او توهین می‌شود. او که نه فقط به خاطر پولی که بابت کتاب پرداخت کرده بلکه به دلیل اصل کار انجام شده نیز کلافه و ناراحت است، می‌گوید: «بچه‌ها و باره‌ها می‌گویم که چرا اوضاع مملکت و ایراداتی که در آن وجود دارد، درست نمی‌شود، مگر نه اینکه همه این ایرادات تقصیر خودمان است؟ وقتی به این راحتی برای گرفتن نمره و مدرک زیر بار حرف زور می‌رویم، نباید هم انتظار بهتر شدن شرایط را داشته باشیم. من دانشجوی فقط به فکر ارتقاء فزاینده سریع کارم هستم و بعد از آن اجازه می‌دهم تا این اساتید از همه دانشجویان در ترم‌های بعدی سوءاستفاده کنند.»

اما یکی دیگر از دانشجویان با گلایه از زور گویی اساتیدش می‌گوید: «این آقا، در طول ترم درست و حسابی درس ندهد و در آخر هم کتابی را برای خرید معرفی کرده که هیچ ربطی به عنوان درسی‌مان ندارد، اما چرا! چون که نویسنده کتاب خودش است و فروشش برای جیب و ارتقای جایگاه اساتیدی او سود بسیار زیادی دارد. خیلی تلخ است که یک استاد جز منفعت خودش، به چیز دیگری فکر نکند.» او در پاسخ به این سؤال که چرا به مسئولان آموزش دانشگاه اطلاع نمی‌دهند تا با این اساتید دانشگاه برخورد شود، می‌گوید: «بگذشت صدا ندارد، همه دانشجویان باید یکصد از او شکایت کنند یا حداقل یک نامه دسته‌جمعی برای مدیر دانشگاه بنویسند و این موضوع را گزارش کنند. من این را به چند نفر از دانشجویان گفتم اما نمی‌دانم چطور آنها می‌توانند اجازه دهند که به شخصیت و غرورشان توهین شود و در مقابل، کوچک‌ترین اعتراضی نکنند. همین سکوت باعث می‌شود یک اساتید روز به روز پررتر شود و تصور کند آزادانه هر تخلفی را که بخواهد می‌تواند انجام دهد.»

برخی دانشجویان اما به اساتید این کلاس اعتراض کرده‌اند که چرا باید کتابی را بخرند که هیچ ارتباطی به درس‌شان ندارد. سحر که یکی از این دانشجویان است، می‌گوید: «به اساتید اعتراض کردم و گفتم اصلاً چرا باید مجبور باشم که کتاب را بخرم و بعد به او نشان بدهم تا نمره بگیرم، او با وقاحت تمام پاسخ داد که شما دانشجوی هستید و این مشکل خود شماست، اگر نمره کلاسی را می‌خواهید، باید این کتاب را بخرید و ببورید. به نظر من هر کدام از دانشجویان که به مسئله خرید اجباری کتاب اساتید تن بدهند و اعتراضی نکنند، از ترس نگرانی بابت عدم قبولی در امتحان و سایر مصائبی از این دست است.» البته این تنها چند مورد از گرفتن پول زور از دانشجویان است، موارد دیگری از سوءاستفاده جایگاه اساتیدی در برخی دانشگاه‌ها نیز وجود دارد.

معرفی کتاب به دانشجو در سایر کشورها
اما در کشورهای دیگر، اساتید دانشگاهی چه کتاب و چه منابع درسی را به دانشجویان معرفی می‌کنند و سود حاصل از فروش این منابع درسی به جیب چه کسی یا کسانی می‌رود؟ گفته می‌شود در برخی دانشگاه‌های آمریکا، اساتید

برای معرفی کتاب خود به عنوان منبع درس، باید از مسئولان دیار تعان یا دانشگاه اجازه بگیرد. در بعضی دیگر از دانشگاه‌ها، باید سود خالص حاصل از فروش کتاب، به دانشگاه پرداخت شود، البته دانشگاه‌های خصوصی در این مورد انعطاف پذیر هستند. در این دانشگاه‌ها به نظر نمی‌رسد کسی نسبت به معرفی کتاب یک استاد به عنوان منبع درس، زیاد حساسیت نشان دهد، مگر اینکه قیمت کتاب بسیار بالا یا تعداد دانشجویان کلاس زیاد باشد. در کشوری مثل آلمان، اساتیدان جزوهای‌شان را به صورت پربنت‌شده منتشر می‌کنند. سود حاصل از این فروش نیز به گروه تحقیقاتی اساتید تعلق می‌گیرد، البته این پول برای اهداف مختلفی مثل پرداخت هزینه کلاس‌های فوق برنامه هزینه می‌شود. به نظر می‌رسد این کار، یک توافق منطقی باشد، چون کسی به طور شخصی از آن سود نمی‌برد. به علاوه سود حاصل از فروش جزوها دوباره خرج آموزش بهتر خود دانشجویان می‌شود.

از سوی دیگر اما در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا، عمده اساتیدان از

کتاب‌های خودشان برای تدریس استفاده می‌کنند، به این دلیل که آنها مشهورترین و قوی‌ترین افراد در رشته خودشان هستند و عمدتاً کتابی مرتبط با درسی را که سر کلاس‌شان حاضر می‌شوند، نوشته‌اند. در چنین شرایطی هیچ دانشجویی به این کار اعتراض نمی‌کند و حتی عمده دانشجویان از اینکه درسی را با نویسنده مشهورترین کتاب‌ها برمی‌دارند، خوشحال هم هستند. در مقابل اما تعدادی از اساتیدان دانشگاه‌های ایران، کتاب‌هایی را که مطابقت چشمگیری برای گفتن ندارد و گاه مرتبط با عنوان درسی نیست با زور «نمره» به دانشجویان می‌فروشند؛ کاری که اعتبار علمی‌شان را نزد دانشجویان و سایر اساتیدان دانشگاه زیر سؤال برده است.

خیرخواهی یا طمع پول؟
بی‌تردید اگر یک اساتید دانشگاه بخواهد دانسته‌های خود را به دانشجویانش منتقل کند، می‌تواند کتابش را به قیمت تمام‌شده و نه قیمت پشت جلد به آنها بفروشد، البته نباید در این کار اجباری وجود داشته باشد، از طرفی اگر

سودای پوچ با عبور از حق دانشجو

محیا حسینی

استاد دانشگاه است، با سالیان سال سابقه تدریس، سروکارش با دانشجویان است که برای تأمین هزینه‌های تحصیل گاه مجبورند دو شیفت کار کنند، حال بماند که برخی هزینه‌های سنگین خانواده را نیز به دوش می‌کشند؛ دشواری‌هایی که بعداً اساتید محترم با این همه سال تجربه کار کردن از آن بی‌اطلاع باشند، اما آگاهی از مشکلات بی‌شمار دانشجویان چه سود، وقتی خود اساتید قرار است باری بر دوش‌شان باشد؛ استادی که به جای دادن نمره بابت تلاش‌های دانشجویان ترجیح می‌دهد به کسانی نمره بدهد که کتاب‌های او را خریداری کرده‌اند، اما سختگیری در این مورد حتی از سختگیری مراقبان کنکور نیز بیشتر است و چه تأسفیک است که استادی با کوله‌باری تجربه به جای دانش به شاگردانش سیاست‌های کیفی بیاموزد.

دانشگاه جای آموختن است؛ جای یادگرفتن درس زندگی است. تک‌تک این دانشجویان قرار است فردا باری از دوش مملکت بردارند، اما اگر قرار باشد آموخته‌های‌شان سیاست‌هایی اینچنینی باشد، آیا می‌توان به آینده آنها و کشور امید داشت؟

در کشوری مثل آلمان

اساتیدان جزوهای‌شان را به صورت

پربنت‌شده منتشر می‌کنند.

سود حاصل از این فروش نیز

به گروه تحقیقاتی اساتیدان

تعلق می‌گیرد، البته این پول برای

اهداف مختلفی مثل پرداخت هزینه

کلاس‌های فوق برنامه

هزینه می‌شود، به نظر می‌رسد

این کار، یک توافق منطقی باشد

نیت خیری پشت این ماجرا داشته باشد، می‌تواند چندین نسخه از کتابی را که نوشته است به کتابخانه دانشگاه هدیه کند و به دانشجویان این فرصت را بدهد تا با امانت گرفتن آن از محتوای داخل کتاب استفاده کنند، اما آنچه در برخی کلاس‌های دانشگاهی اتفاق می‌افتد، به وضوح نشان می‌دهد اساتیدان دانشگاهی فقط و فقط به سود حاصل از فروش کتاب‌های‌شان فکر می‌کنند. پیش از این در قالب اجبار برای نوشتن مقاله‌های شخصی اساتیدان، شاهد مواردی از این دست بوده‌ایم که موجب گلایه دانشجویان شده است. به نظر می‌رسد الزام اساتیدان به داشتن حنصاب‌هایی برای ارتقای رتبه دلیل عمده این گونه مسائل باشد؛ الزاماتی که بدون توجه به کیفیت آموزش بیشتر جنبه کمی دارد و هشدار بزرگی برای رشد علمی دانشگاه‌های کشور است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و اقداماتی در جهت اصلاح آن انجام شود، در غیر این صورت روز به روز شاهد کاهش رشد علم در دانشگاه‌ها خواهیم بود که صدمات جبران‌ناپذیری به دنبال خود دارد.

استادی که دادن نمره شاگردانش را منوط می‌کند به خریداری کتاب‌هایش و با انداختن یک امضا پای صفحه نخست راه هر گونه تقلب یا استفاده دوباره از کتاب برای دانشجویی دیگر را می‌بندد، نمی‌تواند استاد خوبی باشد و نمی‌تواند شاگردان خوبی تربیت کند. حال تصورش را داشته باشید استادی که از حیطة اختیارات محدودش در دانشگاه اینچنین سوءاستفاده می‌کند، فرداروز اگر مسئولیتی گرفت، چه خواهد کرد. آیا می‌توان به استادی که حق دانشجویان را نادیده گرفته و آنها را به خاطر سود مالی خود مجبور به خرید کتاب‌هایش جهت گرفتن نمره می‌کند، امیدوار بود گامی در راستای احقاق حق مردم بردارد؟!

سیاست کاری او عجیب است؛ کتاب‌ها را امضا می‌کند، یک تیر یا دو نشان. هم اجازه استفاده دوباره از کتاب‌ها را به سایر دانشجویان نمی‌دهد و هم این گونه تلقین می‌کند که کتاب‌ها با این امضای پرطمطراق هدیه‌ای به دانشجویان است! هر چند سیاستمداری او نشان می‌دهد زمینه لازم برای ورود به سیاست را دارد اما این سیاست تنها می‌تواند برای او سودمند باشد، نه مردم. همانطور که دانشجویان سود چندانی از وجود و حضور او نبرده‌اند، مردم هم بی‌گمان نخواهند برد.

اگر یک استاد دانشگاه

بخواهد دانسته‌های خود را به

دانشجویانش منتقل کند، می‌تواند

کتابش را به قیمت تمام‌شده و نه

قیمت پشت جلد به آنها بفروشد

البته نباید در این کار اجباری وجود

داشته باشد، از طرفی اگر نیت

خیری پشت این ماجرا داشته باشد

می‌تواند چندین نسخه از کتابی را

که نوشته است به کتابخانه

دانشگاه هدیه کند

گزارش «جوان»

از استادانی که از دانشجویان‌شان پول زور می‌گیرند

اجبار برای نوشتن

مقاله‌های شخصی اساتیدان

از دیگر مواردی است که موجب

گلایه دانشجویان شده است، به

نظر می‌رسد الزام اساتیدان

به داشتن حنصاب‌هایی

برای ارتقای رتبه دلیل عمده

این گونه مسائل باشد

نظارت بر تخلفات علمی کجاست؟

الهه هاشمی

مدت‌هاست دانشجویان از سرقت علمی اساتیدان دانشگاهی‌شان گلایه می‌کنند، چرا که برخی اساتیدان نمره‌های پایان ترم دانشجویان‌شان را به تهیه مقاله‌ها و ترجمه‌ها منوط می‌کنند و می‌گویند آنها را بدون هیچ کم‌وکاستی انجام و تحویل دهند، اما قسمت تلخ ماجرا اینجاست، بعد از اینکه دانشجو زمان و هزینه زیادی را صرف انجام این کار کرد و مقاله را تحویل داد، می‌بیند که استاد، مقاله‌اش را به صورت یک کتاب تحقیقی و ترجمه‌ای به نام خود چاپ کرده و سهم و فقط گرفتن چند نمره قبولی در امتحانات پایان ترم شده است!

در برخی موارد دیده شده که تعداد کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که یک استاد دانشگاه در آنها دخیل بوده و در رزومه‌اش منتشر شده، به قدری غیر واقعی است که اگر آن فرد حتی ۲۴ ساعته هم مشغول مقاله‌نویسی و تألیف کتاب بود، باز هم نمی‌توانست این مقدار کتاب و مقاله را تألیف کند یا استادان آنها مشاور این تعداد پایان‌نامه باشد. همین موارد نشان می‌دهد در این فرایند بیش از اندازه یک اشکالی وجود دارد و باید به آن رسیدگی شود.

۴ شهریور ماه ۱۳۹۶ قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی «برای مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی دانشگاهی مانند مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این قانون برای تقلب و تقلب در تهیه آثار مذکور از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی جرم‌نگاری و وظایفی برای مسئولان اصلی آموزش عالی کشور، یعنی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با هدف پیشگیری و مقابله با تقلب و تقلب در تهیه آثار علمی تعیین شده است. بر اساس این قانون چنانچه تخلفی در زمینه تولید علم صورت گیرد که این تخلف به ارتقای علمی یا اخذ مدرک منجر شود، بعد از فاش شدن آن، فرد مشمول تنزل رتبه، مقام و مدرک می‌شود و حتی ممکن است در مواردی کار به جرمی با ابعاد اخراج از محیط‌های علمی منتهی شود، بنابراین نظارت بر تخلفات علمی که در محیط‌های دانشگاهی انجام می‌شود، بسیار مهم است، وزارت ارشاد باید قبل از اجازه چاپ به کتاب‌ها بر این موضوع نظارت داشته باشد که این کتاب جزو کتاب‌سازی‌ها و کتاب‌دزدی‌ها نباشد. همچنین وزارت علوم هم باید به این مسئله ورود پیدا کند که چگونه برخی اساتیدان در مدت محدود موفق به تألیف یا ترجمه کتاب‌های چندصدصفحه‌ای می‌شوند و باید نظارت شود که آیا در این میان از دانشجویان کمک خواسته شده یا نه؟ و در ازای این کمک دانشجویی چه چیزی عاید دانشجویان شده است؟

متأسفانه موضوع کتاب‌سازی در مراکز آموزش عالی در بی‌درمانی است که سالیان سال وزارت علوم و بخشی از اساتیدان به آن دچار شده‌اند و حتی برای برخی اساتیدان به منبع درآمد تبدیل شده است. آنچه امروز در مراکز آموزش عالی کشور شاهد آن هستیم، این است که به کارهای علمی به عنوان منبع درآمد نگاه می‌شود، در حالی که در هیچ کجای دنیا کارهای علمی منبع درآمد برای افراد نیست و به عنوان رسالتی برای فرد تلقی می‌شود که بر اساس آن می‌خواهد با این اقدام به پیشبرد کشورش کمک کند.



روابط نامیمون استاد و دانشجوی غیرکیفی را چگونه علاج کنیم؟!